



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

مترجم: OffOnOx

کاپیتر: Hades

کاپیپیست: Hades

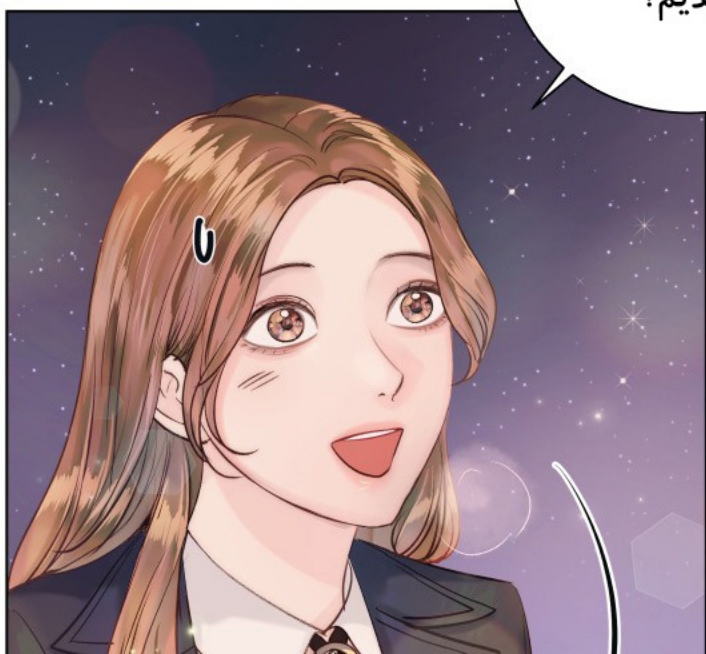
تو منو میشناسی،
مگه نه؟



دوباره همدیگرو
دیدیم.



آخه چطوری
دوباره همدیگرو
دیدیم؟





آره.
دست تقدیر مثلاً؟



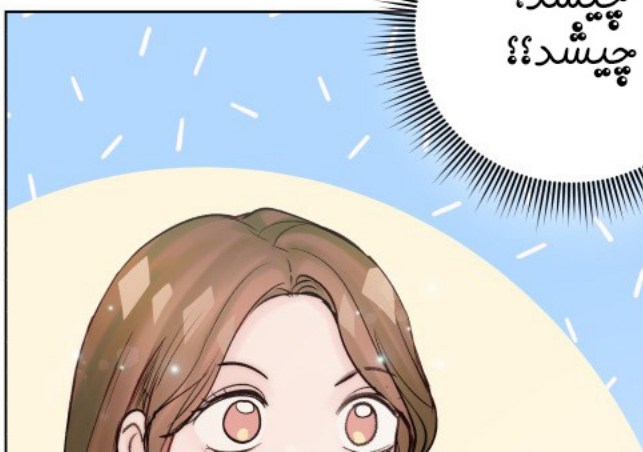
شوخی نکردما...

منم شوخی
نمی‌کردم؛



چون تقدیره.

چیشد،
چیشد؟؟





من همین
الانش شوهر
دارم!

^^

خوبه من چه!

ای



خدایی!؟

بنده فقط
مزاح کردم.

하마
21

후우-

بگذریم. چرا
خبرم کردی؟

?

من نگهت
نداشتم،

خودت اول
انجامش دادی.



وقتی تو لباس
فروشی بودم...



میخواستم ازت
تشکر کنم چون با اینکه
خودتم تقریباً به دزدی
متهم شده بودی، کمکم
کردی.





چطور سر
به زنگا رسیدی.

فکر میکردم
یه فرشته ای که
از خود آسمون
افتاده.





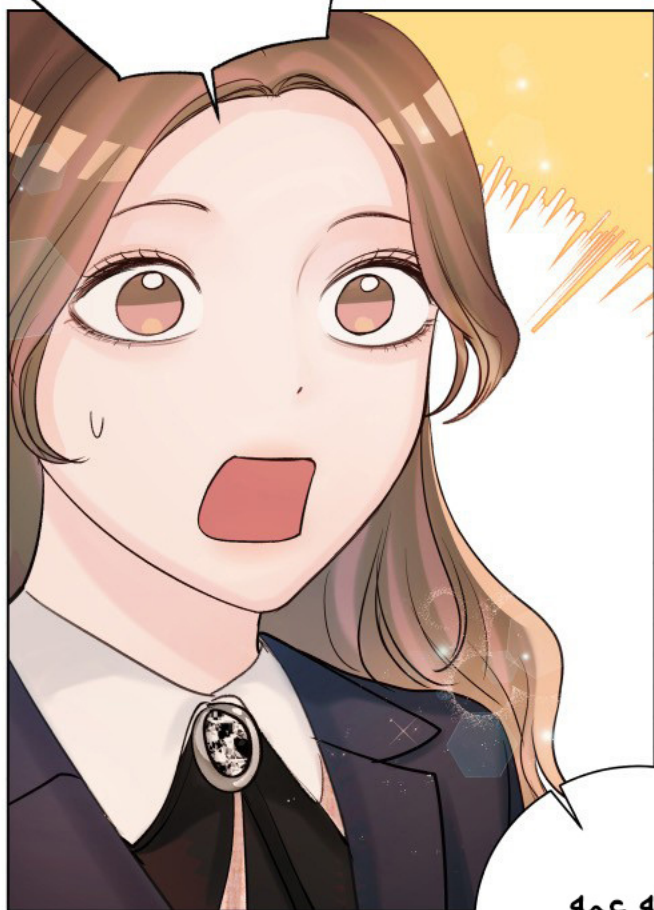
شایدم باید به
محتاط بودنش ادامه
بده.





اون موقع،
عمه خانوم خیلی
خطری به نظر
میومد.

عمه خانوم...؟!



مگه عمه
نبود؟



آره...
درسته، عمه



پرای من که
همیشه علیاحضرته





یه آدم پالارده
که خودم بشخصه
چرات نمیکنم پاهاش
دم پر بشم.

اگه میخوای
از پس اون عمه هه
برییای، باید خودتو
قوی تر کنی.





منم برای
مراسم عروسی
ازت ممنونم.



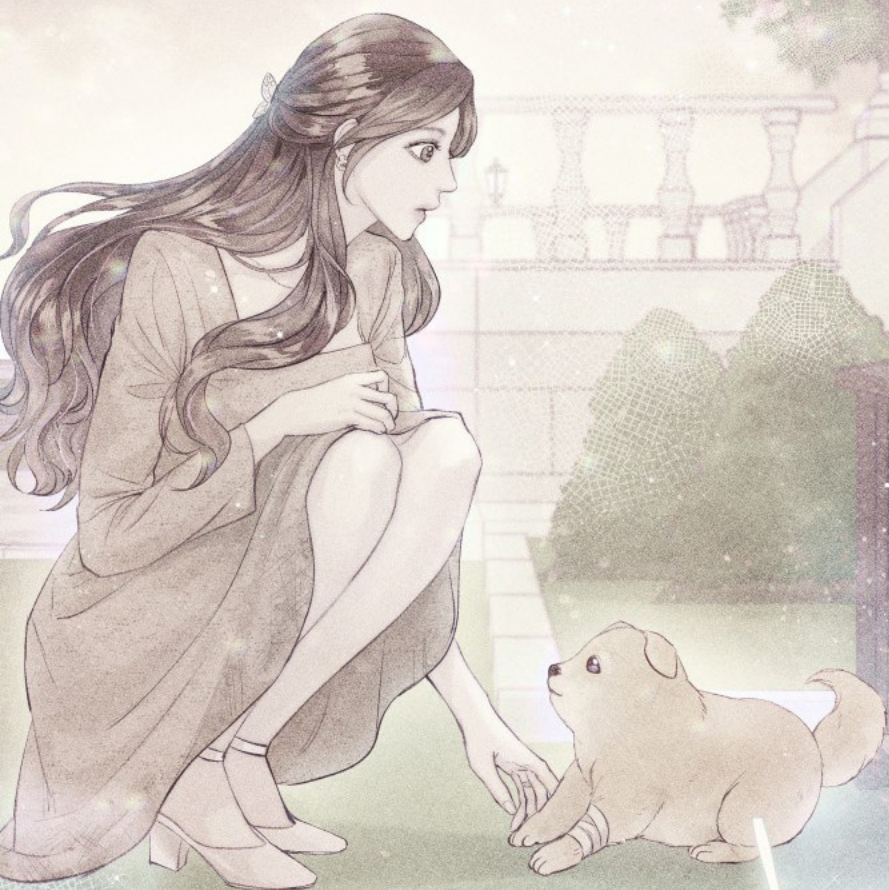
بعدا
می بینمت.



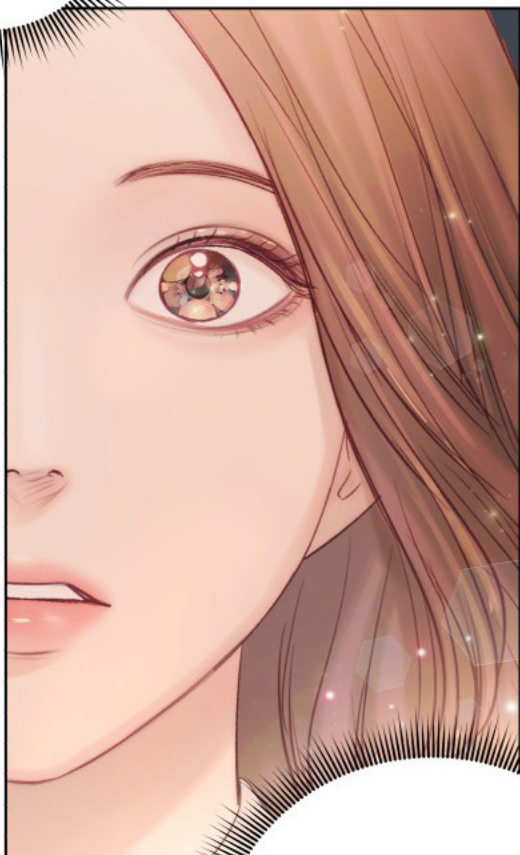
ما قراره بازم
همدیگرو ملاقات
کنیم.



ممنونم.
دوباره همدیگر
می بینیم.



چه خبر
شده؟



همچین حرفی رو
با همچین تن صدایی
رو کجا شنیدم؟

لی یئون وو!







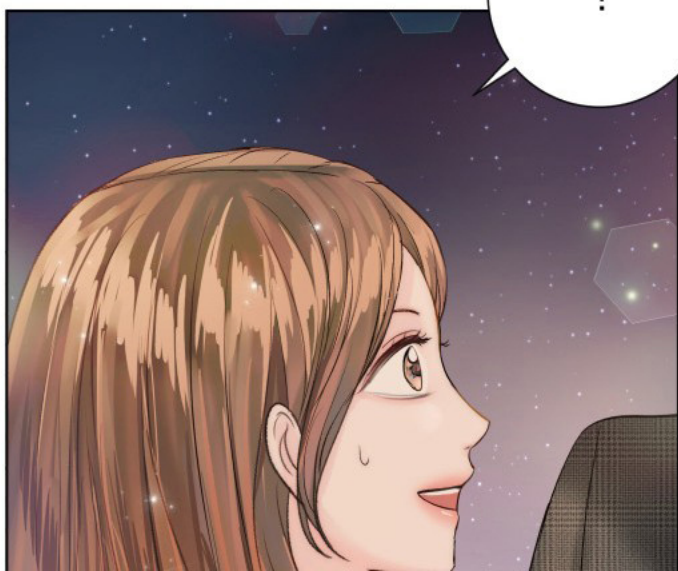
پیدات کردم!

تنهام بذاری بری یه
گوشه گم شی، من چیکار
کنم آخه؟

휘릭



?





زنگ بزن خوا!



هی، گوشیتو
چک کن.

ها؟



میشه بگی چرا
خاموشه؟

حالا نیم ساعته
کجا رفتی؟



دیگه داشتم تیم
تفتیش راه مینداختم.

نیم ساعت شد!؟





آره

عجیبه

من که کلا ده دقیقه،
سوار تله کابین بودم.

پس چطوری نیم
ساعت شده؟

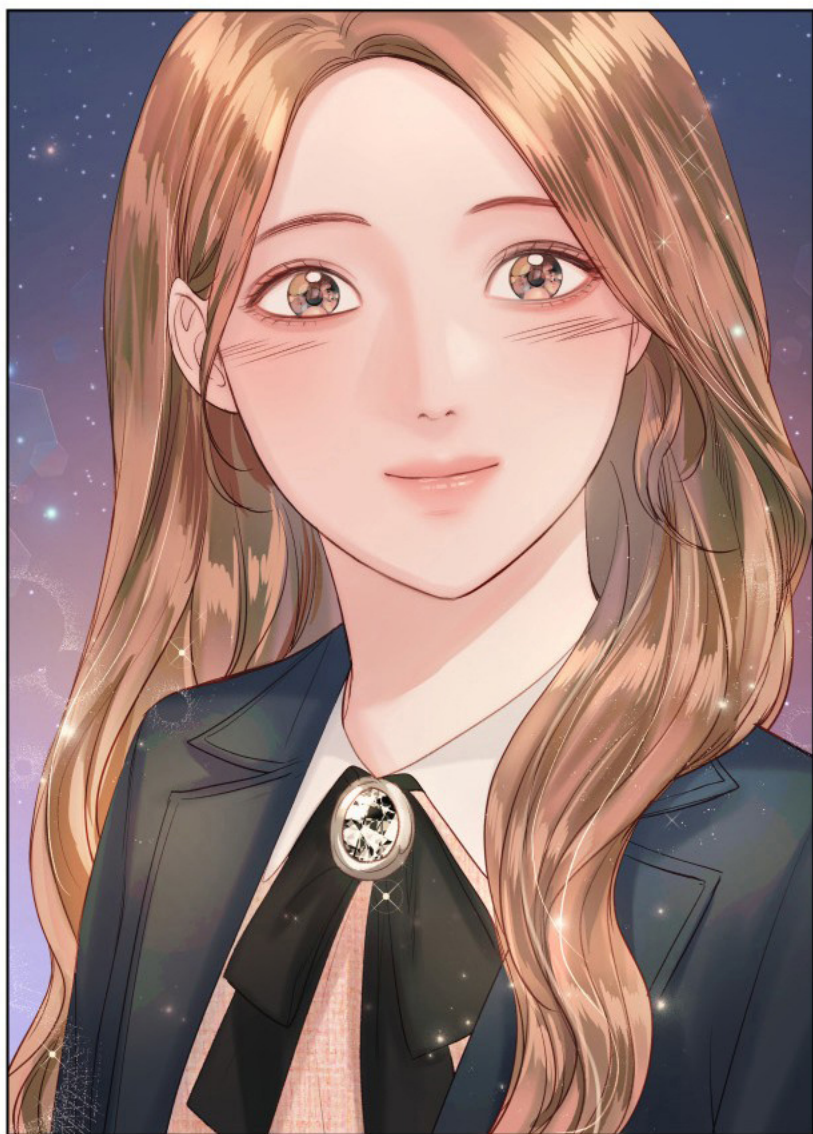
انگار توی یه دنیای
دیگه بودم...







وقتی با منی، غیب نشو.





아





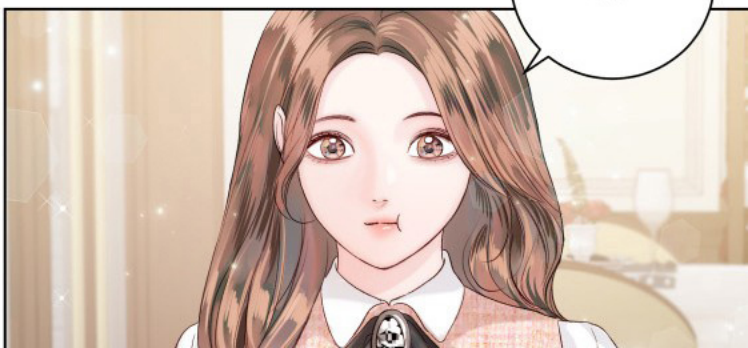


ولی وقتی بابا زنگ زده،
قضیه جدی نیست؟ همه چی
خوب پیش میره؟



هفته دیگه میرم سئول
راست و ریستش کنم.

آه.





می خوای باهام بنوشی؟

ما که نمی‌تونیم بیرون
مشروب بخوریم.



نمیشه مست کنم که،
آخه آدم ناجوری میشم.

خودم مسئولیتش رو
به عهده می‌گیرم.





آدم ناچور...

ولی اگه جفتمون مست
کنیم چی؟

منم باید حواسم به
تو باشه اونوقت.

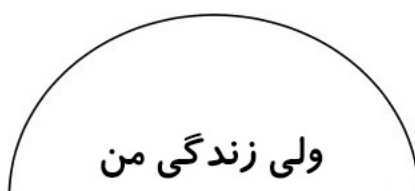




پیش توئم حس می کنم
بهم احترام گذاشته میشه.



چون تو واقعا
لایق احترامی.

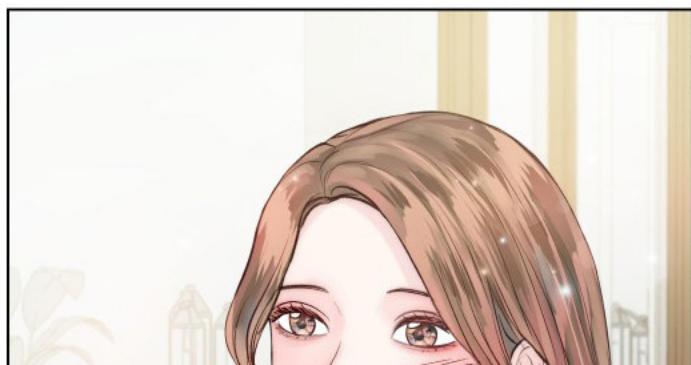


ولی زندگی من

مهمتر نیست،



میشه به زندگی خودم و
خودت فکر کنم از
این به بعد؟







از شش سالگی، اون زن منو میزد.

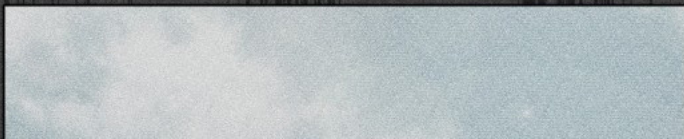




وقتی دبیرستانی بودم،
ازم سوء استفاده شد؛



از دواج کردم ولی
عشقی در کار نبود.





بعدش درخواست
طلاق دادم.

یه بار توی یه آینده دیگه
مجبور شدم طلاق بگیرم.

چرا خاموش شده؟



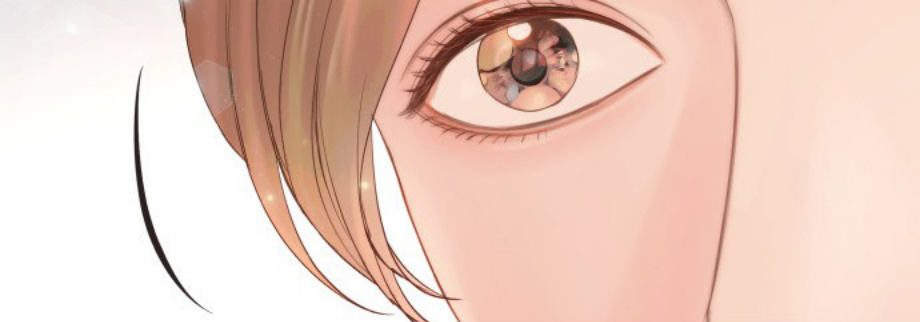
مردن تو دلیلشه.

چیزی که باعث میشه
بخوام نجاتت بدم احتمالا



نمی دونم به خاطر
توئه یا خودم؛

چلو چشمای خودم
با مرگ طرف شدی.

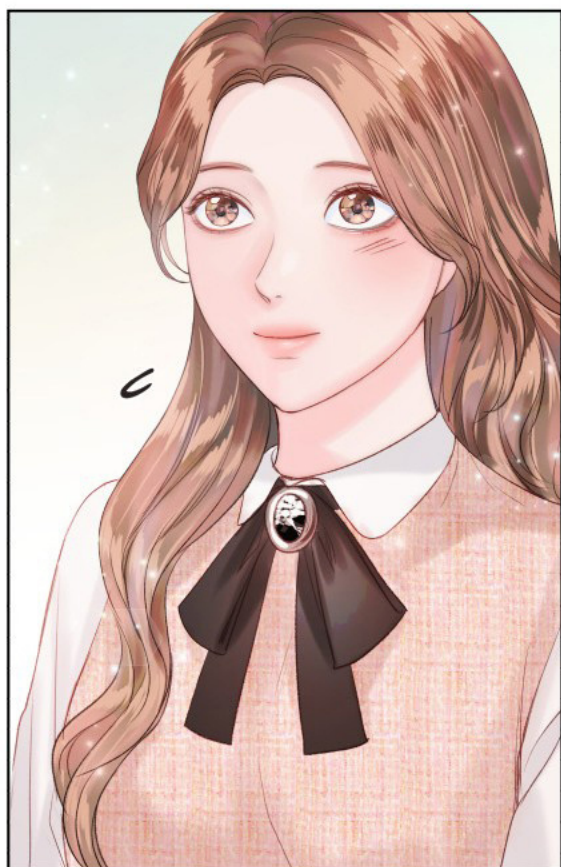


شاید اون گناه و خودخواهی
باعث شده بخوام نجاتت بدم.

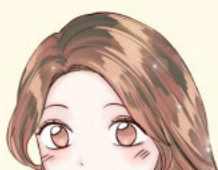
من حواسم هست،
راحت بخور.

영





باو شه،
فقط يه ذره پس...



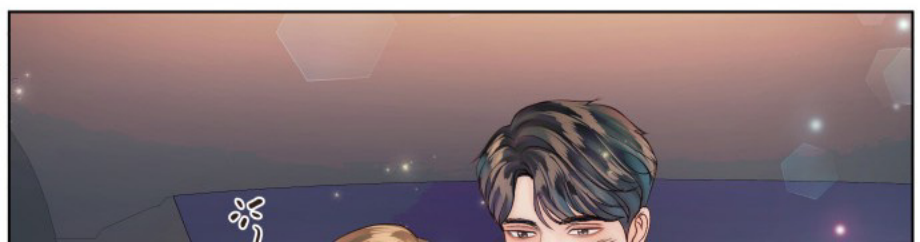


반드시
해피엔딩♡

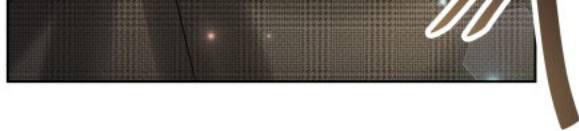
각색 불사 그림 재림
원작 플아다



복음

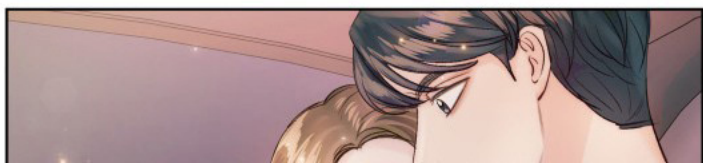






دستم رفت تو خونه ش.

آره...





اینجوری من دو
تا خونه دارم.





...خیلی نازه.



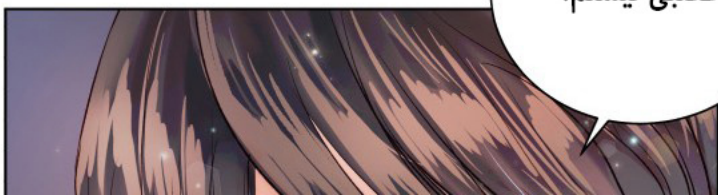
سونبه، یه
درخواستی داشتم.

حله.
هر چی بخوای.



دیگه عصبی نباش.

عصبی نیستم.





وقتى ملت چلو چشم
ما مېړن هتل عشق پازى

از بچه ها چه انتظاريه!؟

٢٢٢

هم... هم... تو..

حق نداری بخوابی.



گفتی داری دنبال عادت‌های
بد مستی می‌گردی.

(اینم... عادت بد مستیم...)

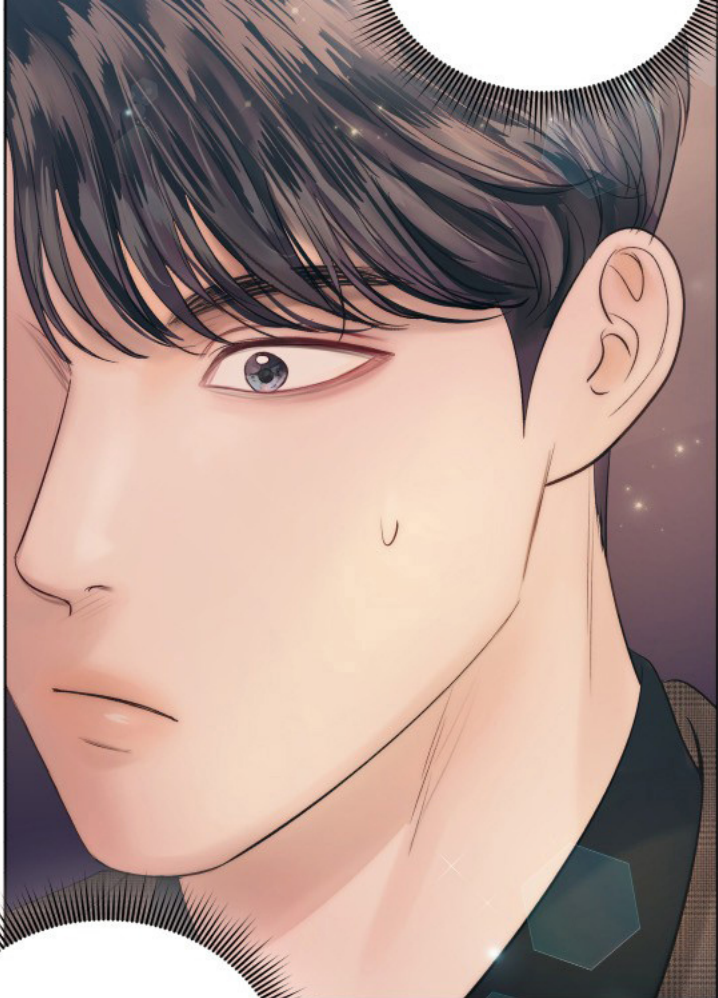


?

عَبْ بَخِير



...این عادت پدرشه؟



به خیالش آدم ناچور
کسیه که می خوابه؟



zzz..

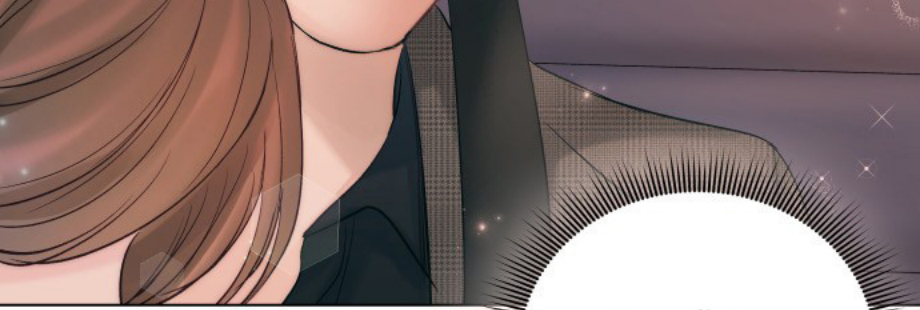


نه... نه



آهههه، لی یئون وو
چدا که منحرفی.





قبل اینکه مست
کنی خیلی کیوت بودی.

فکر می کردم اگه مست
کنه وارد به دنیای جدید میشه.



چدی
خوابیده؟



مُوابی؟



میگم شما دوتا

زنته ديگه، نه؟

?!


بله

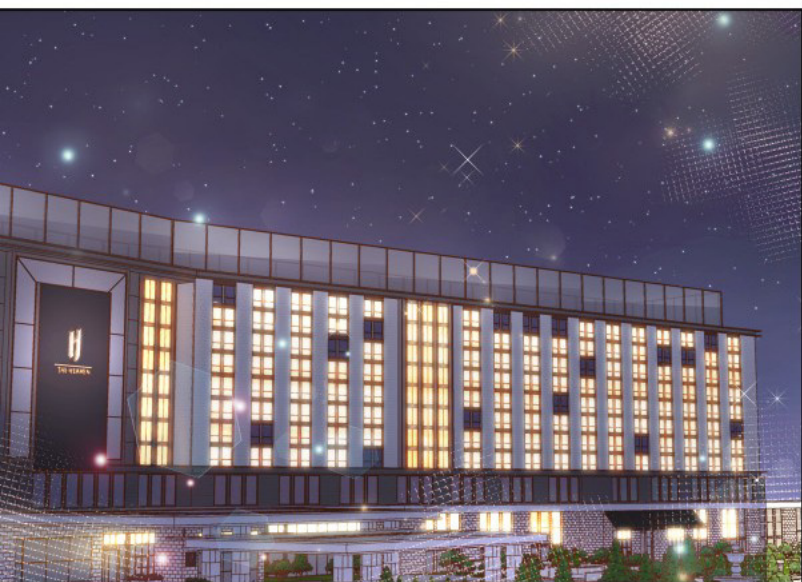


آع آع، همين الان
شنيدم سونبه صدات زد.





ما توی یه دانشگاه درس
خوندیم اونجا ارشدش بودم.



타







لا اقل می خواي
پنجواپی کتت رو درار.

아니..

zzz..



اوم اوج اوج...

نه...

به مولا فقط ژاكتت
رو درميارم، فقط ژاكت.





두근

داره از قصد اینکارو
میکنه؟ از کی پیدار شده؟

두근

بالاخره فهمیدم وقتی
همسرم مست میکنه چه
کارایی ازش سر میزنه.



یعنی انقدر دلت
نمیخواست همچین چیزو
بهم نشون بدی؟



بخاطر این بود که...







الان چطور؟

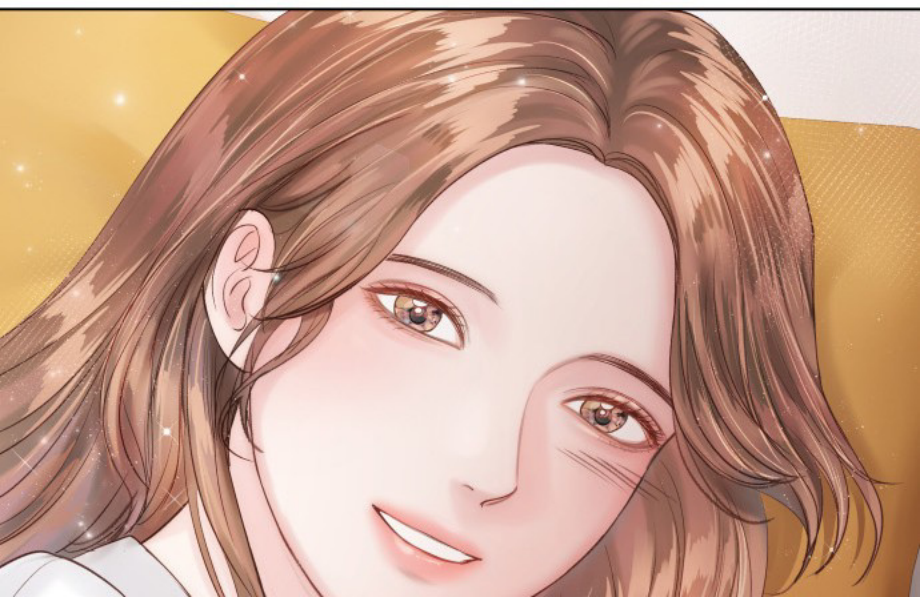
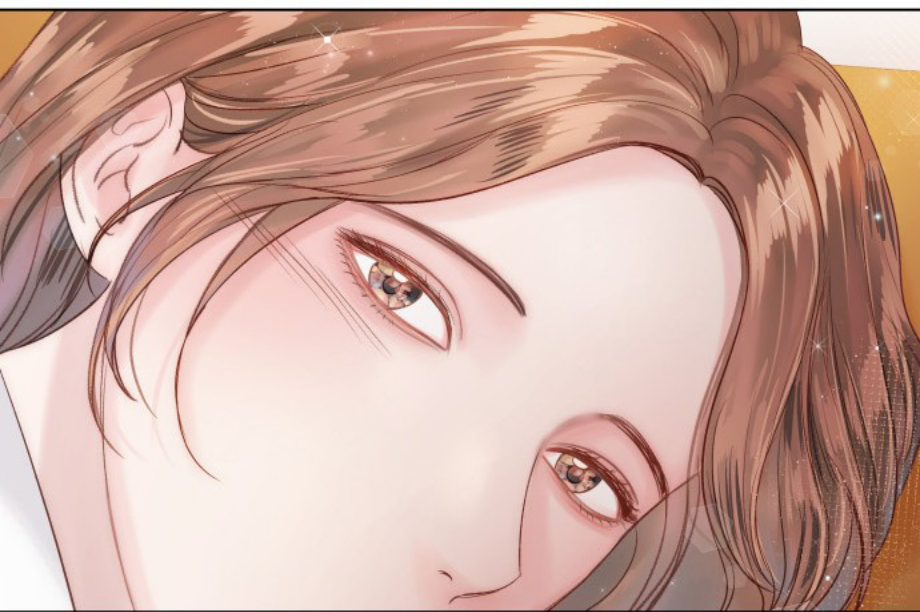
بهم اعتماد داری؟





هر کاری هم بکنم
بازم بهم اعتماد داری؟







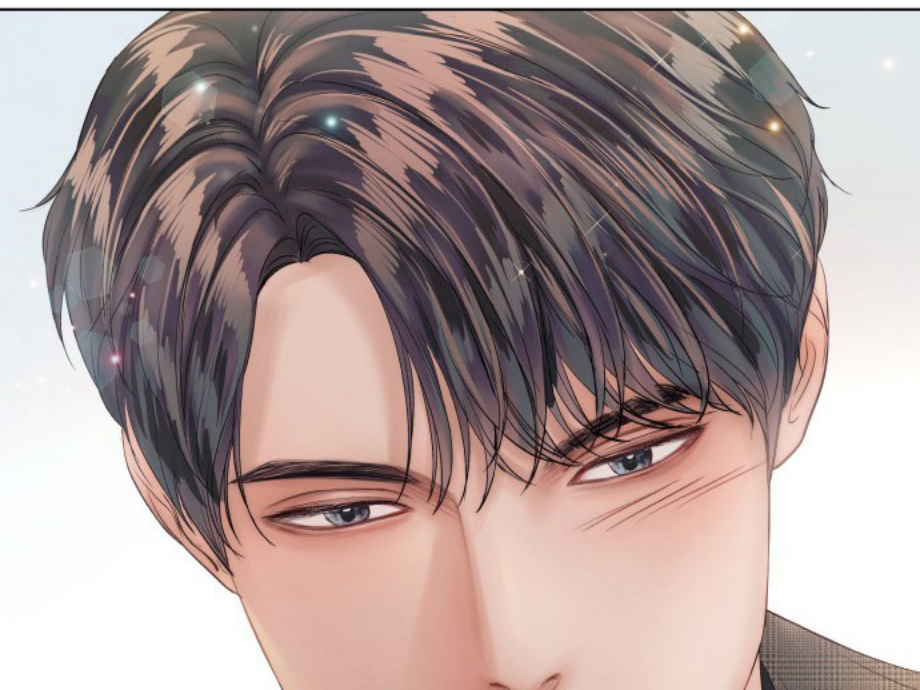
...تو قول دادی که
بهم دست نمیزنی.

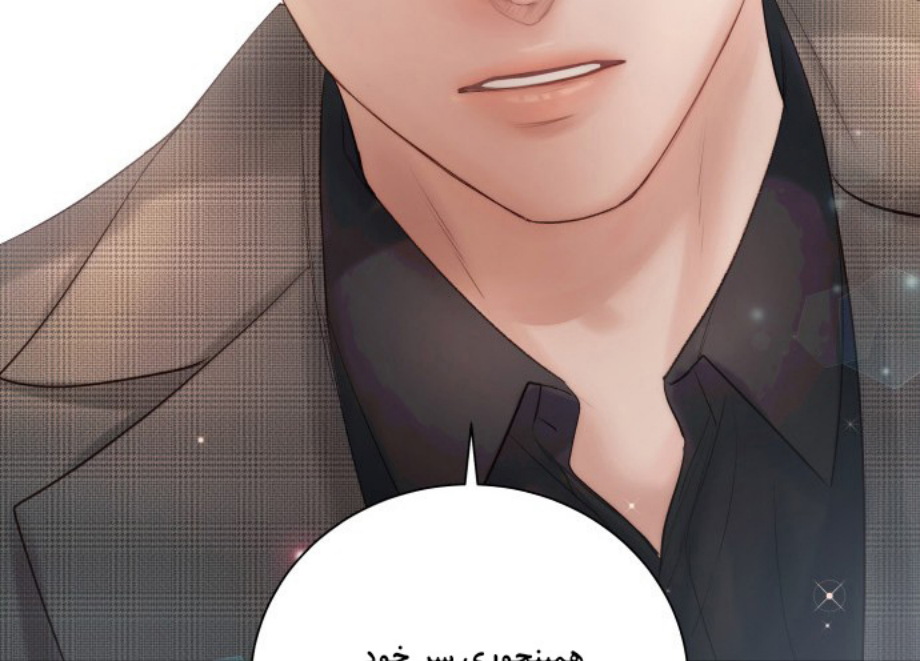
من هیچ وقت
قول ندادم!





نمیخوام قول
بدم، اصلاً قصد انجام
دادنشو ندارم.





همینجوری سر خود
ازم یه ادم نجیب و پاک نساز.



원고 도움 수리 또바기
승연 아노마
은지
제작 COPIN



کانگ سون جه
آنلاین



ممنونم که وقت میزارید. 19:29

و داستان های من و همسرم رو دنبال میکنید. 19:30

اما اگه ببینم این داستان جایی کپی شده. 19:31

چه توی همین تلگرام چه جای دیگه ای. 19:31

منتظر عواقب خطرناکش باشید. 19:31



Message

